

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دوم، شماره هشتم، پائیز ۱۳۸۹

ص ص ۷۵ - ۵۷

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سازگاری زناشویی در

بین معلمان متأهل مدارس راهنمایی شهر مرند

دکتر محمود علمی^۱

کریم یزدانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۶/۹

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین عوامل اجتماعی مرتبط با میزان سازگاری زناشویی است. خانواده نخستین و منحصر به فردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و موفقیت جامعه مرهون پویایی و رضایت‌مندی اعضای آن است. سازگاری زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت‌مندی نموده و بدون شک یکی از عوامل بسیار مهم و حیاتی این رضایت‌مندی، میزان سازگاری زوجین در ارتباط با عوامل اجتماعی است. محقق با هدف شناخت رابطه عوامل اجتماعی (طول مدت نامزدی، طول مدت ازدواج، سن معلمان هنگام ازدواج، پای‌بندی به اعتقادات دینی، پایگاه اجتماعی، نسبت خویشاوندی، نحوه آشنایی با همسر، نحوه گذران اوقات مشترک) با میزان سازگاری زناشویی در بعد نظری از نظریه‌های نیازهای مازلو، همسان همسری برگس و طول مدت ازدواج میشل آندره برای تبیین روابط متغیرهای پژوهش بهره جسته است. روش تحقیق، پیمایش از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری آن معلمان متأهل مدارس راهنمایی در شهر مرند که با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه ۲۳۰ زوج به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند، می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه مقیاس سازگاری زوجین گراهام اسپینر و اریک ای فیلسینگر است. داده‌های حاصل شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به منظور آزمون فرضیه‌ها؛ متناسب با سطوح سنجش متغیرها از آزمون مقایسه میانگین، T مستقل، ضریب

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی؛ تبریز- ایران.

E-mail: drmahmoodelmi@gmail.com

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تبریز- ایران.

همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی در بین افراد مورد مطالعه برابر $15/51 \pm 80/41$ بود. اختلاف معنی‌داری بین عواملی چون نسبت خویشاوندی، گذران اوقات مشترک، پایگاه اجتماعی و پای‌بندی به اعتقادات دینی با سازگاری زناشویی وجود دارد ($P < 0/05$).

واژگان کلیدی: سازگاری زناشویی، عوامل اجتماعی، پای‌بندی به اعتقادات دینی، پایگاه اجتماعی.

مقدمه

خانواده نخستین و منحصر به فردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و موفقیت جامعه مرهون سلامت و رضایت‌مندی اعضای آن است چرا که تأثیر هیچ یک از افراد و هیچ رابطه‌ای از روابط (مثبت یا منفی) به اندازه آن ازدوام، عمق و شدت برخوردار نیست و همواره کنش وزی آن در سطوح مختلف فردی، دونفری (زن و شوهر) و نظام خانواده، هم چنین تأثیر متقابل کیفیت این کنش با عملکرد اعضای دیگر خانواده در عرصه‌های چون تحصیل، اشتغال، ارتباطات اجتماعی و مواردی از این دست دیده می‌شود. در حقیقت خانواده با بستن پیمان زناشویی بین زن و مرد تشکیل می‌شود. ازدواج اولین تعهد عاطفی و حقوقی است که فرد در بزرگسالی قبول می‌کند و انتخاب همسر و انعقاد پیمان زناشویی نقطه عطفی در رشد و پیشرفت شخصی تلقی می‌گردد (مومن‌زاده، ۱۳۸۱: ۴). در تداوم زندگی زناشویی، عوامل متعددی دخیل هستند، و شرط اساسی در این امر مهم سازگاری در برابر آثار محرک‌های تنیدگی‌زا است. سازگاری با موقعیت‌های جدید و متنوع در دورانی که عصر تنیدگی و تغییرات سریع اجتماعی است، کارآسانی نیست. تحقیقات اجتماعی نشان می‌دهد که هرگونه دگرگونی در زندگی آدمی، خواه خوشایند خواه ناخوشایند مستلزم نوعی سازگاری مجدد است. یک جنبه مهم سازگاری، با سازگاری زناشویی مرتبط است. بدون شک سازگاری با سایر ابعاد زندگی، رضامندی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

طرح مسئله

امروزه سازگاری زناشویی یکی از مفاهیمی است که وسیعاً در مطالعات خانواده و زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اصطلاح با بسیاری از مفاهیم دیگر هم چون «رضایت زناشویی»، «شادکامی زناشویی»، «موفقیت زناشویی» و «ثبات زناشویی» مرتبط است. در حالی که اصطلاحات قبلی هر کدام تنها یک بعد از ازدواج را نشان می‌دهند، سازگاری زناشویی یک مفهوم چند بعدی است که سطوح چندگانه ازدواج را روشن می‌کند و فرایندی است که در طول زندگی زوجین شکل می‌گیرد، زیرا لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخص، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مراوده‌ای است، بنابراین سازگاری زناشویی یک فرایند تکاملی در بین زن و شوهر است. در طول سال‌ها از این مفهوم، بدون یک تعریف

مشترک و روشن بین محققان استفاده شده است. سازگاری زناشویی شیوه‌ای است که افراد متأهل، به طور فردی یا با یکدیگر، جهت متأهل ماندن سازگاری می‌شوند، گویی که سازگاری زناشویی یکی از مهم‌ترین فاکتورها در تعیین ثبات و تداوم زندگی زناشویی است (گال و کاترین، به نقل از صادقی، ۱۳۸۰: ۱۰)؛ کاترین (به نقل از صادقی، ۱۳۸۰: ۱۱). اولین کسی بود که سازگاری زناشویی را به صورت «فرایندی که شریک‌های متأهل تلاش می‌کنند تا سیستم‌های ارتباطی خاص یا موقعیتی که در خانواده قبلی خودشان کسب کرده‌اند، را مجدداً احیاء کنند» تعریف کرد. سازگاری زناشویی به صورت یک فرایند تعریف می‌شود که به وسیله موارد زیر تعیین می‌گردد: ۱. تفاوت‌های پردردسر دوتایی، ۲. تنش‌های بین فردی و اضطراب شخصی، ۳. رضایت دوتایی، ۴. همبستگی دوتایی، و ۵. توافق کلی دوتایی روی شیوه‌های مهم عملکرد (اسپانیر، ۱۹۷۶). سازگاری زناشویی از دیدگاه الیس به عنوان «احساسات عینی خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده از طرف همسر با در نظر گرفتن همه جنبه‌های زندگی زناشویی‌اش» تعریف شده است (صادقی، ۱۳۸۰: ۲۵). صرف‌نظر از واژه‌پردازی‌ها درباره مفهوم سازگاری زناشویی، پاره‌ای عوامل بر میزان آن تأثیر می‌گذارند و سبب افزایش یا کاهش آن می‌گردند. این عوامل به طور اجمال عبارتند از:

الف) میزان درآمد و اشتغال ب) فرزندان ت) بیماری پ) رضایت‌مندی جنسی چ) پاداش‌ها ج) ادراک درست و دقیق ح) ارتباط و تبادل نظر میان زوجین.

سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر گذاشته و زیربنای عملکرد خوب خانواده تلقی می‌گردد و نقش والدینی را تسهیل کرده و سبب توسعه اقتصادی و رضایت بیشتر از زندگی می‌شود (مومن‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۰). از سویی دیگر وجود ناسازگاری زناشویی در روابط زن و شوهر علاوه بر ایجاد مشکل در موارد فوق، باعث اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی و اخلاقی و افول ارزش‌های فرهنگی در بین زوجین می‌شود (همان منبع). طبق نظر هالفورد (۱۳۸۴: ۱۴) عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی شامل سه دسته خصوصیات فردی، عوامل موقعیتی و رویدادهای زندگی می‌باشد. هم‌چنین براساس پژوهش‌های مختلف عواملی چون محیط خانواده و سبک دلبستگی به طور مثبت، و عواملی نظیر تفکرات غیر منطقی و افسردگی، به طور منفی با سازگاری زناشویی ارتباط دارند.

از مجموع پژوهش‌های مختلف چنین استنباط می‌گردد که یک رابطه زناشویی با سازگاری خوب رابطه‌ای است که نگرش‌ها و اعمال هر یک از شریک‌ها محیطی را فراهم می‌کند که جهت عملکرد مناسب ساختارهای شخصیتی خود و شریکش، خصوصاً در حوزه ارتباطات اولیه، مطلوب باشد (به نقل از مؤمن‌زاده، ۱۳۸۴). نتایج مطالعات (Coombs, 1991: 99)، نشان داده است افراد متأهلی که زندگی‌شان پایدار است و از زندگی زناشویی خود رضایت کافی دارند عموماً عمر طولانی‌تری دارند. کمتر دچار بیماری افسردگی و مشکلات روان‌شناختی شده و (Waite, 1997) کمتر به الکل و مواد مخدر روی می‌آورند (Amato, 1993: 30). هم‌چنین مطالعات (صادق‌مقدم، ۱۳۸۵: ۴۷)، نشان داده است که

میزان سازگاری زناشویی در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی متفاوت نمی‌باشد. تمامی گزارش‌ها با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند نشان می‌دهند که میزان شیوع ناسازگاری به صورت‌های مختلفی رو به افزایش است.

نتایج تحقیقات حاکی از آن است که در حدود ۵۵٪ ازدواج‌ها در آمریکا، ۴۲٪ در انگلیس و ۳۷٪ در آلمان به طلاق منجر می‌شوند (به نقل از هالفورد، ۱۳۸۴). در ایران نیز طبق آخرین آمار گزارش شده از سوی سازمان ثبت احوال نرخ طلاق در ایران نسبت به سال‌های قبل در سال ۱۳۸۹، ۹/۱٪ افزایش یافته است، این در حالی است که ۰/۲٪ به آمار ازدواج افزایش یافته است. در کشور ما طی دو دهه‌ی گذشته ساخت خانواده و روابط بین اعضای آن دچار تغییرات زیادی شده است و بیشتر تحقیقاتی که توسط متخصصین علوم اجتماعی در زمینه‌ی علل سست شدن پیوندهای زناشویی و ناسازگاری بین آن‌ها صورت گرفته بر متغیرهای کلان از جمله وضعیت اجتماعی، اقتصادی، کاهش درآمد خانوار، بیکاری، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی تأکید نموده‌اند و آن‌ها را از عوامل موثر بر بروز ناسازگاری زناشویی و طلاق در ایران دانسته‌اند (فروغان فر، ۱۳۸۵).

بنابراین، باتوجه به اهمیت و نقش سازگاری در روابط بین زوجین و افزایش کیفیت زندگی زناشویی، و از سویی با عنایت به نتایج پژوهش‌های مختلف در این زمینه، لزوم توجه و بررسی این متغیر در جهت کاهش تعارضات، مشکلات و بهبود و افزایش رضایت در روابط زناشویی احساس می‌گردد تا با نگاهی آسیب‌شناسانه به عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری‌های زناشویی و عدم موفقیت در ازدواج‌ها پرداخته و نقش ویژگی‌های اجتماعی در سازگاری زناشویی مورد بررسی قرار گیرد، چرا که عدم وجود جو سالم در خانواده از موانع اصلی انتقال آداب، رسوم، فرهنگ و ارزش‌های مثبت جامعه به نسل‌های آتی است. بنابراین، پژوهش حاضر قصد دارد میزان سازگاری زناشویی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن را در بین معلمان متأهل شهرستان مرند مورد بحث و بررسی قرار دهد و در نهایت به این سوال پاسخ دهد که عوامل اجتماعی چه نقشی در افزایش یا کاهش میزان سازگاری زناشویی در بین افراد جامعه هدف دارند؟

مبانی نظری

در این تحقیق تلاش بر آن است که موضوع به گونه‌ای بررسی شود که عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی، با استفاده از یک چهارچوب نظری مناسب به لحاظ علمی و متناسب با شرایط اجتماعی که بتواند عوامل اجتماعی - فردی مرتبط با میزان سازگاری زناشویی را به طور نسبی تبیین نماید. با بهره‌مندی از تجربیات پژوهشگران پیشین، فرضیات مناسبی مطرح گردید تا ابعادی از این پدیده مورد کالبد شکافی دقیق قرار گیرد. باتوجه به وجود نظریه‌های متعدد و مرتبط با سازگاری زناشویی از جمله نظریه‌های مبادله، همسان همسری، نظریه نیاز مازلو، پارسونز، نظریه منابع و تأکید هر یک از نظریه‌ها بر جنبه‌های خاصی از سازگاری زناشویی صرفاً از یکی از این نظریه‌ها به عنوان چهارچوب نظری تحقیق استفاده نشده است.

نظریه نیازهای اساسی مازلو

آبراهام مازلو در کتاب انگیزش و شخصیت، پنج نوع از نیازهای انسان را اساسی دانسته و بر آن است که تا این نیازها ارضا نشود، نیازهای متعالی تر و ضرورت تأمین آنها اصولاً برای افراد مطرح نخواهد شد. او هم چنین در میان این نیازها به وجود نوعی سلسله مراتب اشاره دارد و مدعی است که بروز هر دسته از این نیازها صرفاً به دنبال ارضا شدن نیازهای اساسی تر و «فروتر» از خود ممکن است. افزون بر این، مازلو بر آن است که در پی بروز هر دسته از این نیازها؛ درخلاف فرآیندی که آن را «انگیزش محرومیت» می‌نامد، کلیه کنش‌ها و واکنش‌های فرد در جهت ارضای آن قرار می‌گیرد، تا آن جا که همه‌ی رفتارهای فرد را در آن مقطع خاص می‌توان نمودی از آن نوع نیاز محسوب داشت (مازلو، ۱۳۸۷: ۶۹). او هم چنین یادآور می‌شود که این نیازها پویا هستند. بدین معنا که ممکن است برآوردن هر نیاز سبب شود که آن نیاز، خود را تا مدتی بعد نمایان نسازد. اما سرانجام به همان شدت یا شکلی شدیدتر و یا حتی در سطحی متعالی تر ظاهر می‌شود.

از نظر مازلو سلسله مراتب و طبقه‌بندی نیازهای اساسی انسان عبارتند از: نیازهای جسمی، نیاز به ایمنی، نیاز به عشق و تعلق، نیاز به احترام و نیاز خود شکوفایی یا نیاز به خویشتن‌یابی و تحقق بخشیدن استعدادها (همان: ۷۲-۷۰). به نظر مازلو اگر نیازهای پایین دست و اولیه برآورده شود فرد از لحاظ جسمانی و عاطفی احساس امنیت می‌کند، اگر نیاز به تعلق، محبت، پیوستگی و پذیرش برآورده شده باشد و فرد به احترام، پیشرفت و اعتبار و مقام لازم خود برسد، نیازهای شناختی و علمی لازم را کسب کند، به نیازهای زیبایی، نظم و هنر پاسخ بدهد، به خود شکوفایی رسیده و می‌تواند رضایت کامل را تجربه کند. در این وضعیت فکری و یا ساختار شخصیت است که مفهوم رضایت از حد متعارف و زندگی روزمره فردی تجاوز کرده به مفهومی عام و جهانی، به مقوله‌ای پایدار و فراگیر مبدل می‌شود.

نظریه منابع

نظریه منابع یکی از نظریه‌هایی است که ویلیام گود به آن پرداخته است. بر پایه‌ی این نظریه، نظام خانواده، مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظام اقتداری است و هر کس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی دارد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد. ویلیام گود استدلال نمود که منابعی مانند موقعیت، منزلت اجتماعی، پایگاه فرد در بیرون از خانواده، شغل، اقتدار سیاسی و ... قدرت اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عزازی، ۱۳۸۰: ۸۱). از نظر ماکس وبر قدرت عبارت است از این احتمال که شخص در رابطه‌ی اجتماعی قادر باشد اراده‌اش را در تعقیب اهداف عمل صرف نظر از هر نوع مقاومتی اعمال نماید (آبرکرامی، و دیگران، ۱۳۷۰: ۳۹۶؛ به نقل از صادق مقدم، و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۷). به طور کلی انسان برتری می‌جوید خواه معنوی و خواه مادی و این برتری همان قدرت است که برای انسان ارزش را تشکیل

می‌دهد. قدرت دارای اثر دوگانه مثبت و منفی است. اثر مثبت از آن حاکم و قدرت‌مند است و اثر منفی‌اش به کسی که تحمل حکومت و قدرت را می‌کند نقش می‌گیرد (صدرنوبی، ۱۳۷۰: ۱۵۱).

معمولاً در اکثر موارد دو قطب یعنی قدرت‌مند و کسی که قدرت را تحمل می‌کند، دیده می‌شود و حتی در خانواده بین زن و شوهر، هر چند که خانواده کانون عشق و محبت بوده و واژه قدرت بیشتر در بیان روابط بین گروه‌های سیاسی و اقتصادی به کار می‌رود طرح آن در مورد خانواده نامأنوس است، اما اگر بپذیریم که خانواده گروهی متشکل از اعضای است که منابع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را می‌طلبد و گاهی به خاطر تضاد بر سر منافع با یکدیگر به مبارزه و جدال عینی و غیر عینی می‌پردازد در خواهیم یافت که عنوان کردن واژه قدرت (در روابط زن و شوهر در خانواده) چندان هم بی مورد نیست. بنابراین تضاد بر سر قدرت بین زن و مرد در خانواده به وجود می‌آید. چه هر کدام از این دو برای کسب منزلت مهم‌تری از طریق توسل به امکانات مالی فرهنگی، اخلاقی در مسلط شدن بر دیگری و نیل به اهداف خود تلاش می‌کنند، گاه این نبرد بر سر تکلیف فرزندان در انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب همسر، بر سر سیادت تام در خانواده هر زمانی به خاطر مسایل عاطفی و غیره اتفاق می‌افتد (همان: ۳۳۰ و چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

نظریه همسان همسری

این نظریه استحکام، سلامت، خوشبختی و پایداری خانواده را به واسطه همسان‌گزینی می‌داند. همسان خواهی و همسان‌گزینی عبارت است از انتخاب همسر از گروه مذهبی، طبقاتی، کاستی، نژادی، قشری مشابه و یا نزدیک به فرد. می‌توان ادعا نمود که ابعاد اجتماعی پیوندهای زناشویی و همسرگزینی دارای پشتوانه هنجاری است یعنی بر اساس آداب و رسوم و هنجارهایی صورت می‌گیرد و مکانیسم‌های همسرگزینی، همسان همسری را تشویق می‌کند، شبکه مناسبات اجتماعی که همسرگزینی در آن اتفاق می‌افتد، به وسیله قراردادهای اجتماعی متعددی تضمین می‌شود. از سوی دیگر بر اساس نظریه مبادله اجتماعی در یک گروه «هر چه ارتباط اجتماعی اعضا به یکدیگر نزدیک باشد، کنش متقابل بین آن‌ها متواترتر خواهد بود» (Turner. 1986: 237-238).

برگس جامعه‌شناس آمریکایی (۱۹۶۶-۱۸۸۶) خانواده را به عنوان سازمان اجتماعی دانسته و در قلمرو گزینش همسر، به همسان همسری اعتقاد دارد؛ زیرا به نظر وی انسان‌ها در هر شرایطی چنان که شباهتی از دیدگاه‌های سنی، خانوادگی، تحصیلی، نژادی و ملی با یکدیگر داشته باشند، گرایش بیشتری نسبت به یکدیگر دارند (رفیعی‌اصل، ۱۳۸۹: ۲۴). هم چنان که کاهش میزان طلاق را منجر می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۷۷).

اگر دو شریک ازدواج، هم سن باشند از نو ساختن سرنوشت بر مبنای خاطره مشترک پیوسته انجام می‌گیرد. علاوه بر سن بسیاری از خصوصیات دیگری نیز وجود دارد که اشتراک یا تشابه آن‌ها بین زن و شوهر موجب نزدیکی هر چه بیشترشان خواهد بود. میزان تحصیلات یکی دیگر از این عوامل است که بر ازدواج تأثیر می‌گذارد (مهدوی، ۱۳۷۷: ۴۳). انسان‌ها معمولاً در پی گزینش همسرانی هستند که همسان و هم‌شان خودشان باشند تفاهم زن و شوهر، هماهنگی در عواطف و احساسات، سازگاری در اخلاق و رفتار و اشتراک در جهان‌نگری و

منافع، اساس ازدواج‌های موفق را تشکیل می‌دهند و هر اندازه زن و شوهر وجه اشتراک و همسانی بیشتری داشته باشند همان قدر در ارضای همدیگر موفق‌اند (تقوی، ۱۳۷۴: ۱۶۰-۱۵۸). به عقیده هیل افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسان‌شان باشد تا ناهمسان‌شان (نقل از ساروخانی، ۱۳۸۸: ۴۶). در واقع سازگاری زناشویی زمانی حاصل می‌شود که زن و شوهر در جنبه‌های مختلف کمترین فاصله و تقابل را داشته باشند، به طور کلی همسان همسری شاخص‌های متفاوتی دارد که در این میان می‌توان به همسانی سنی، تحصیلی، به وضعیت یا پایگاه شغلی، همسانی طبقاتی اشاره کرد (حسینی، ۱۳۶۷: ۵۴).

همسانی سنی

آلن ژیرار معتقد است «بیشتر اوقات، افرادی با هم پیوند زناشویی می‌بندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک باشند» از این رو همسانی سنی را باید به عنوان یک ضریب مهم همسان همسری که در جوامع باختری از اهمیت والایی برخوردار است در نظر گرفت. هرچند دانشمندان در پذیرش این تفاوت وسیع سنی میان زن و شوهر در اکثر موارد آن را عاملی زیان‌مند بر سلامت خانواده تلقی می‌کنند، جملگی هم داستان هستند، با این حال در تعیین مرزهایی که اختلاف سنی نباید از آن فراتر رود، وحدت نظر ندارند. به عقیده برنارد بیشترین خرسندی برای زنان هنگامی حاصل می‌شود که با مردی ازدواج نمایند که پنج تا شش سال سالمندتر از ایشان باشد و برای مردان همین خرسندی هنگامی به وجود می‌آید که میان صفر تا ده سال بزرگتر از همسران‌شان باشند. به گمان برگس و کوتزل وضعی که برای نیک‌بختی خانوادگی چندان مساعد نیست هنگامی پدید می‌آید که شوهر میان چهار تا هفت سال از همسر خود بزرگ‌تر باشد. نتیجه‌گیری دقیق و مشخص از عقاید و اطلاعات گوناگون این است که فاصله وسیع سنی که شکاف سنی تعبیر می‌شود به استواری و پایداری کانون خانوادگی کمکی نخواهد کرد. هرچند در مورد میزان تفاوت سنی هنجاری در دست نیست (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۶۲).

دین از نظر دورکیم

دین از نظر دورکیم یک نیروی اجتماعی محسوب می‌شود که به صورت تعهدات اخلاقی، رفتاری، و کرداری فرد را کنترل می‌کند. به عقیده او دین اساس یکپارچگی اجتماعی را تشکیل داده و مهم‌ترین کارکرد آن وحدت اجتماعی است (ادیبی و دیگری، ۱۳۸۳: ۷۳). هاری آلپر پژوهشگر دورکیمی، چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم به عنوان نیروهای اجتماعی انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش طبقه‌بندی کرده است؛ آیین‌های مذهبی از طریق تحصیل انضباط بر نفس و قدری خویش‌داری، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازد. تشریفات مذهبی مردم را گرد هم می‌آورند و بدین سان، پیوندهای مشترک‌شان را دوباره تصدیق نموده و همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند. اجرای مراسم مذهبی، میراث اجتماعی گروه را ابقاء و احیاء کرده و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. سرانجام دین یک کارکرد خوشبختی‌بخش نیز دارد؛ زیرا که برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و احساس اطمینان به

حقانیت ضروری جهان اخلاقی‌ای که خودشان جزیی از آن محسوب می‌گردند، با احساس ناکامی و فقدان ایمان در آن‌ها مقابله می‌کند. دین با مقابله با احساس فقدان که در مورد مرگ هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی تجربه می‌شود به تثبیت توازن اعتماد خصوصی و عمومی یاری می‌رساند. در وسیع‌ترین سطح دین به عنوان یک نهاد اجتماعی به گرفتاری‌های وجودی انسان معنای خاص می‌بخشد زیرا فرد را به قلمرو فرافردی ارزش‌های متعالی وابسته می‌سازد، همان ارزش‌هایی که در نهایت امر ریشه در جامعه دارند (همان: ۲۰۰؛ حیدری، ۱۳۸۵: ۳۳).

طول مدت ازدواج

به طور کلی مطالعات نشان می‌دهد که با ادامه ازدواج، خشنودی رو به کاهش می‌رود. زن در دوره ماه عسل و قبل از تولد اولین فرزند از هر زمان دیگر راضی‌تر به نظر می‌رسد. پینه‌او بر اساس تحقیقات والن و بورگس که روی ۱۰۰۰ زوج انجام گرفته (سه سال بعد از ازدواج و ۲۰ سال بعد از ازدواج) نشان می‌دهد که هر چه از ازدواج می‌گذرد، سازگاری زن و شوهر نیز کاهش می‌یابد. از نظر پینه‌او ناخشنودی مزبور به دو جهت است: اولاً جلوه آرمانی فرد که ناشی از تخیلات شاعرانه هنگام انتخاب همسر است از بین می‌رود و ثانیاً دگرگونی‌هایی که پس از ازدواج پیش می‌آید منتهی به نابودی اساس و قواعدی می‌شود که بر مبنای آن انتخاب صورت گرفته است (میشل آندره، ۱۳۵۴: ۲۰۳). هر چه از ازدواج می‌گذرد زن و شوهر بیشتر احساس می‌کنند که رفاقت و دوستی همسران‌شان را از دست داده‌اند. در یک مطالعه در آمریکا ۴۲ درصد زنان و ۴۴ درصد آقایان اظهار کرده‌اند که در ابتدای ازدواج لاقلاً در روز یک بار با یکدیگر می‌خندیدند، به تبادل افکار می‌پرداختند و با آرامی گفتگو و با هم کار می‌کردند. روابط مزبور با رسیدن اولین فرزند، کاهش یافته است (همان).

پایگاه اجتماعی

به زعم ماکس وبر، در مقابل وضع طبقاتی که بعدی (بیشتر) اقتصادی دارد و شانس مشخصی را در دستیابی به کالاها، شرایط خاص مادی زندگی و انتظارات شخص از زندگی را می‌رساند، وضع پایگاهی با شأن و حیثیت سر و کار دارد به بیان لینتن پایگاه اجتماعی عبارت از وضعی است که یک فرد در زمان معین و نظامی خاص احراز می‌کند. به نظر او، پایگاه مجموع حقوق و وظایف است در برابر نقش اجتماعی. اما پایگاه اقتصادی که با میزان ثروت سنجیده می‌شود، تنها یک بعد از پایگاه اجتماعی را می‌رساند. عوامل دیگر چون نژاد، نسب، مذهب و فرهنگ که هر یک بر حسب جامعه، اعتباری خاص به افراد می‌بخشند، در سنجش پایگاه اجتماعی مطرح می‌شوند (The study of man: 114). برخی دیگر پایگاه را عبارت از ارزشی می‌دانند که یک جمع، گروه یا جامعه برای نقش خاصی قایل می‌شوند.

از خلال همه نظریه‌های مطرح در مورد پایگاه اجتماعی چنین به نظر می‌رسد که پایگاه اجتماعی تعیین‌کننده حقوق و وظایف انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی است. وقتی افراد جامعه قشر بندی می‌شوند هر پایگاه اجتماعی دارای امتیازاتی است که می‌توان در سه مقوله طبقه بندی کرد: الف) مالکیت، یعنی داشتن حقوق و مسئولیت‌هایی درباره اموال و خدمات ب) قدرت، یعنی توانایی رسیدن به اهداف خود، حتی به رغم مخالفت احتمالی دیگران ت) پاداش‌های روانی، یعنی هر عایدی یا واکنش غیر مادی که از دیگران صادر می‌گردد و مایه بهزیستی، لذت شخص می‌شود (تامین، ۱۳۷۳: ۶۹). باید گفت که دو عامل آموزش و شغل نه فقط به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به پول با ارزش هستند بلکه هم چنین به طور مستقل برای ارضاء نیاز به احترام (منزلت اجتماعی) با ارزش می‌شوند. در بین نیازها، مهم‌ترین نیاز مؤثر بر روی پیدایش ارزش‌ها، نیاز به احترام است که تأثیر خود را در بسیاری از زمینه‌ها نشان داده و گاه نیازهای جسمی را کاملاً تحت الشعاع قرار داده است. بنابراین، این امر ثابت شده است که در جوامع صنعتی، ثبات زناشویی در میان طبقات بالاتر، به ویژه طبقه متوسط، از طبقات پایین‌تر بیشتر بوده و با طلاق، جدایی و از هم گسیختگی همراه است (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۹۹).

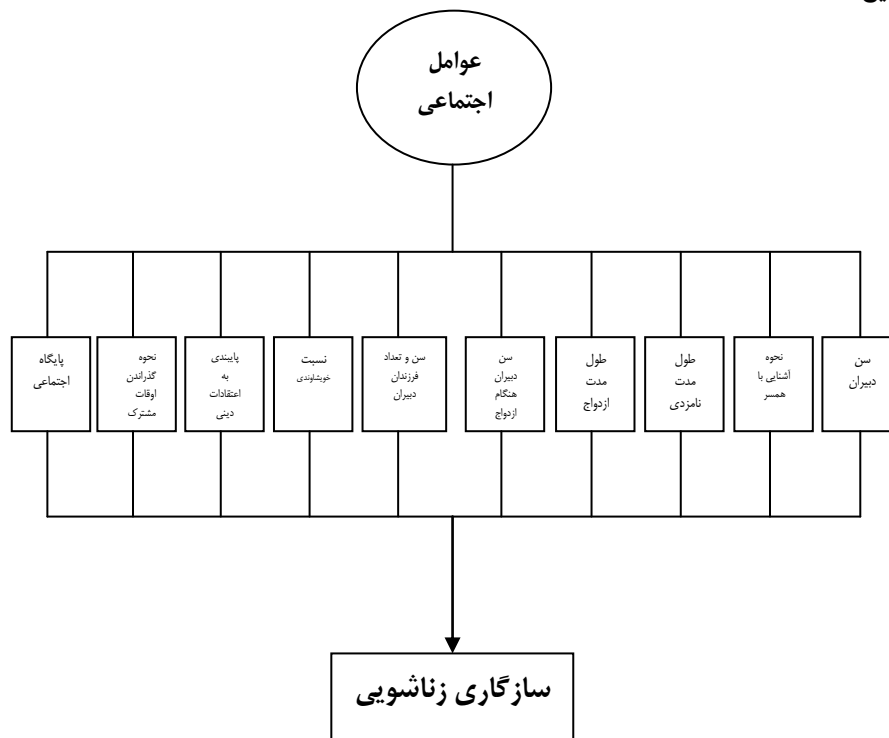
بنابراین، در پژوهش حاضر براساس جمع‌بندی و استنباط از نظریه‌های مطرح در مبانی نظری، می‌توان تعاریف و شاخص‌های مختلف، سازگاری زناشویی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن را به طور مشخص (طول مدت نامزدی، طول مدت ازدواج، سن معلمان هنگام ازدواج، تعداد فرزندان، پایبندی به اعتقادات دینی، پایگاه اجتماعی، نسبت خویشاوندی، نحوه آشنایی با همسر، نحوه گذران اوقات مشترک، سن معلمان) که در قسمت روش‌شناسی به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است، مطرح و تبیین نمود.

فرضیه‌های تحقیق

برای رسیدن به اهداف پژوهشی، فرضیه‌های زیر عنوان و در طی تحقیق مورد آزمون قرار گرفته‌اند:

۱. بین طول مدت ازدواج و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
۲. بین طول مدت نامزدی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
۳. بین سن دبیران و سازگاری زناشویی آنان رابطه وجود دارد.
۴. بین سن دبیران هنگام ازدواج و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
۵. بین سن همسران هنگام ازدواج و سازگاری زناشویی معلمان رابطه وجود دارد.
۶. بین میزان پایبندی به اعتقادات دینی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
۷. سازگاری زناشویی معلمان براساس نسبت خویشاوندی با همسرشان متفاوت است.
۸. سازگاری زناشویی معلمان براساس نحوه آشنایی آن‌ها با همسرشان متفاوت است.
۹. سازگاری زناشویی معلمان براساس نحوه گذران اوقات مشترک با همسرشان متفاوت است.
۱۰. سازگاری زناشویی براساس پایگاه اجتماعی معلمان متفاوت است.

مدل تحقیق



شکل شماره (۱): مدل نظری تحلیل

روش‌شناسی تحقیق

دست‌یابی به اهداف علم یا شناخت علمی میسر نخواهد بود، مگر زمانی که با روش‌شناسی درست صورت پذیرد. ازدیدگاهی، روش‌شناسی، مطالعه‌منظم، منطقی و اصولی است که تفحص علمی را راهبری می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۲). بنابراین هر پژوهش علمی برای تحقق نتایج منطقی و قابل قبول، نیازمند روش تحقیق متناسب با موضوع و اهداف خود است. پژوهش حاضر از نوع کمی و پیمایشی است که در سال ۱۳۹۰ در شهر مرند صورت گرفته است. از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه یک مطالعه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. جامعه آماری آن شامل کلیه‌ای معلمان متأهل مدارس راهنمایی شهر مرند در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ هستند که تعداد آن‌ها بر اساس آخرین آمار آموزش و پرورش مرند برابر ۱۱۳۴ نفر است، که به تفکیک زن ۵۸۴ نفر و مرد ۵۵۰ نفر می‌باشد. بنابراین، از آن جایی که امکان سنجش کل جامعه آماری وجود ندارد، لذا باید نمونه‌نمایی را برگزید تا امکان تعمیم نتایج پژوهش میسر گردد. به همین جهت، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با دقت برآورد $d=0.05$ ، حداکثر واریانس $pq=0.25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد مشخص گردید که حدود ۲۳۰ زوج می‌باشد.

در این مطالعه برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه و برای سنجش متغیر وابسته یعنی سازگاری زناشویی از مقیاس سازگاری زوجین، گراهام اسپنیر و اریک ای فیلسینگر استفاده گردیده است به منظور سنجش اعتبار سازه‌ها و پرسش‌های مورد استفاده در پرسشنامه، از روش اعتبار صوری استفاده شده است که در آن معرف و معتبر بودن محتوای مضمون سوال‌های مربوط به متغیرها با رجوع به متخصصان و صاحب‌نظران در این زمینه تایید گردیده است. هم‌چنین برای سنجش پایایی ابزار تحقیق و سوال‌های مورد استفاده، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که بیانگر همبستگی و ثبات درونی بسیار بالا بین سوال‌های طرح شده برای هر متغیر می‌باشد. اسپینر ضریب آلفای پایایی همسازی درونی سازگاری زوجین را ۰/۹۶، اجماع زوجین را ۰/۹۰، وحدت زوجین را ۰/۸۶، رضایت زوجین را ۰/۹۴ و ابراز دلبستگی را ۰/۷۳ گزارش کرده است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۶ گزارش شده است. ضرایب آلفای مشابهی را نیز فیلسینگر و ویلسون برای زنان و شوهران گزارش کرده‌اند که به ترتیب عبارتند از: سازگاری زوجین ۰/۹۳ و ۰/۹۴؛ اجماع زوجین ۰/۸۸ و ۰/۹۱؛ وحدت زوجین ۰/۸۰ و ۰/۸۵؛ رضایت زوجین ۰/۸۴ و ۰/۸۲؛ ابراز دلبستگی ۰/۷۳ و ۰/۷۳. هم‌چنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها باتوجه به مقیاس اندازه‌گیری متغیرها، تمام تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۷ مورد تحلیل قرار گرفته و برای بررسی وضعیت توصیفی متغیرهای تحقیق از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار و واریانس و از آمار استنباطی مانند آزمون‌های معنی‌داری پیرسون، T و F و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردیده است.

یافته‌های پژوهش

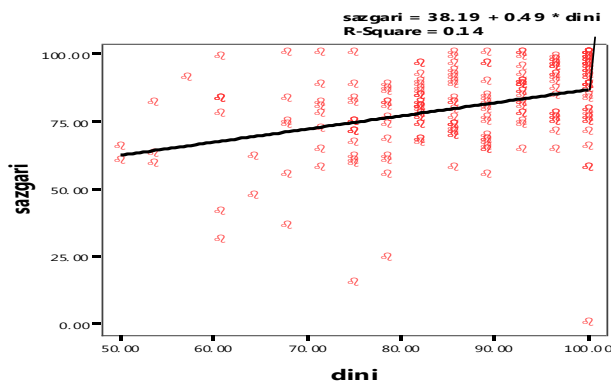
آزمون فرضیه‌های پژوهش

- همبستگی بین طول مدت ازدواج، طول مدت نامزدی، سن، سن دبیران هنگام ازدواج، سن همسران دبیران هنگام ازدواج و میزان پای‌بندی به اعتقادات دینی با سازگاری زناشویی

براساس اطلاعات جدول شماره (۱) ملاحظه می‌گردد که هیچ کدام از متغیرهای مذکور به غیر از متغیر پای‌بندی به اعتقادات دینی همبستگی معنی‌داری با سازگاری زناشویی نداشتند. مقدار ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنی‌داری آن‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد. بین میزان پای‌بندی به اعتقادات دینی و سازگاری زناشویی همبستگی معنی‌دار وجود دارد و ضریب همبستگی برابر $r=0/381$ با سطح معنی‌داری $P=0/000$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر این است که با افزایش پای‌بندی به اعتقادات دینی، سازگاری زناشویی در بین افراد بالا می‌رود و طبق معادله رگرسیون خطی، نمودار شماره (۲) ضریب تبیین $R^2=0/14$ می‌باشد. یعنی ۱۴ درصد از واریانس سازگاری زناشویی بر اساس پای‌بندی به اعتقادات دینی آنان قابل تبیین می‌باشد.

جدول شماره (۱): همبستگی بین طول مدت ازدواج، طول مدت نامزدی، سن، سن دیران هنگام ازدواج، سن همسران دیران هنگام ازدواج با میزان سازگاری زناشویی

متغیرها	طول مدت ازدواج	طول مدت نامزدی	سن دیران هنگام ازدواج	سن همسران دیران هنگام ازدواج	پای بندی به اعتقادات دینی
سازگاری	r = 0/096	r = 0/0101	r = 0/068	r = 0/066	r = 0/381
زناشویی	p = -/151	p = -/129	p = -/306	p = -/325	p = 0/000
	n = 227	n = 225	n = 229	n = 227	n = 218



نمودار شماره (۲): همبستگی بین پای بندی به اعتقادات دینی و سازگاری زناشویی

- مقایسه میزان سازگاری زناشویی معلمان براساس نحوه آشنایی با همسران بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود که متوسط میزان سازگاری زناشویی در معلمان بر اساس نحوه آشنایی با همسران از طریق دوستی قبل از ازدواج برابر $۱۰/۸۲ \pm ۸۴/۶۹$ ، فامیل دور برابر $۸۲/۶۶ \pm ۱۵/۲۹$ ، با معرفی دوستان و آشنایان $۷۸/۸۵ \pm ۱۶/۰۵$ و با توصیه به شکل اجباری برابر $۱۵/۵۹ \pm ۸۱/۹۲$ بوده است که طبق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مقدار $F = ۱/۴۴۹$ با سطح معنی داری $P = ۰/۲۲۹$ محاسبه گردید که تفاوت میزان سازگاری زناشویی معلمان بر اساس نحوه آشنایی معنی دار نمی‌باشد. بنابراین سازگاری زناشویی معلمان بر اساس نحوه آشنایی آنان با همسران‌شان از لحاظ آماری متفاوت نیست.

جدول شماره (۲): مقایسه میزان سازگاری زناشویی معلمان براساس نحوه آشنایی با همسران

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معنی داری
دوستی قبل از ازدواج	۲۱	۸۴/۶۹	۱۰/۸۲	۶۰	۱۰۰		
فامیل دور	۵۵	۸۲/۶۶	۱۵/۲۹	۲۴	۱۰۰		
با معرفی دوستان و آشنایان	۱۴۵	۷۸/۸۵	۱۶/۰۵	۰	۱۰۰	۱/۴۴۹	۰/۲۲۹
با توصیه به شکل اجباری	۹	۸۱/۹۲	۱۵/۵۹	۵۴/۶۷	۹۶		
کل	۲۳۰	۱۵/۵۱	۱/۰۲	۰	۱۰۰		

- مقایسه میزان سازگاری زناشویی معلمان براساس نسبت خویشاوندی با همسر

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۳) میانگین سازگاری زناشویی معلمان براساس نسبت خویشاوندی با فامیل برابر $۸۵/۶۰ \pm ۱۱/۹۱$ و نسبت خویشاوندی با غریبه برابر $۷۹/۱۳ \pm ۱۵/۹۷$ به دست آمده است که مطابق آزمون لون تست مقدار $F=۲/۵۹۴$ با سطح معنی داری $P=۰/۱۰۹$ آزمون برابری واریانسها معنی دار به دست نیامده است. بنابراین از t با واریانس برابر استفاده شد که مقدار t برابر $t=۲/۷۶۹$ با سطح معنی داری $P=۰/۰۰۶$ حاصل گردید. بنابراین می توان گفت میزان سازگاری زناشویی در افرادی که ازدواج خویشاوندی داشته اند بیشتر از افراد دیگر بوده است.

جدول شماره (۳): مقایسه میزان سازگاری زناشویی معلمان براساس نسبت خویشاوندی با همسر

مقایسه میزان سازگاری زناشویی معلمان متأهل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنی داری
نسبت خویشاوندی با فامیل	۵۵	۸۵/۶۰	۱۱/۹۱	۲/۷۶۹	۲۲۸	۰/۰۰۶
نسبت خویشاوندی با غریبه	۱۷۵	۷۹/۱۳	۱۵/۹۷			
آزمون لون تست برای برابری واریانسها						
	F	سطح معنی داری	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	
با فرض برابری واریانس	۲/۵۹۴	۰/۱۰۹	۲/۷۶۹	۲۲۸	۰/۰۰۶	
با فرض نابرابری واریانس						

- مقایسه میزان سازگاری زناشویی براساس پایگاه اجتماعی پاسخگویان بر اساس اطلاعات جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود متوسط میزان سازگاری زناشویی در معلمان پایگاه اجتماعی پایین برابر $74/81 \pm 20/47$ ، پایگاه اجتماعی متوسط برابر $83/21 \pm 11/67$ و در پاسخگویان پایگاه اجتماعی بالا برابر $80/71 \pm 15/45$ بوده است که طبق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مقدار $F=20/07$ با سطح معنی‌داری $P=0/003$ محاسبه گردید. بنابراین، تفاوت میزان سازگاری زناشویی بر اساس پایگاه اجتماعی معلمان معنی‌دار بوده و میزان سازگاری در پاسخگویان طبقه پایین، کمتر و در پاسخگویان طبقه متوسط و بالا، بیشتر مشاهده گردیده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که میزان سازگاری زناشویی بر اساس پایگاه اجتماعی معلمان متفاوت است.

جدول شماره (۴): مقایسه میانگین سازگاری زناشویی بر اساس پایگاه پاسخگویان

پایگاه اجتماعی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معنی‌داری
پائین	۵۴	۷۴/۸۱	۲۰/۴۷	۰	۱۰۰		
متوسط	۱۲۴	۸۳/۲۱	۱۱/۶۷	۵۴/۶۷	۱۰۰		
بالا	۵۲	۸۰/۷۱	۱۵/۴۵	۳۰/۶۷	۱۰۰	۵/۸۸۷	۰/۰۰۳
کل	۲۳۰	۸۰/۶۷	۱۵/۳۳	۰	۱۰۰		

- مقایسه میزان سازگاری زناشویی براساس نحوه گذران اوقات مشترک معلمان با همسران شان بر اساس اطلاعات جدول شماره (۵) ملاحظه گردید، سازگاری زناشویی براساس نحوه گذران اوقات فراغت مشترک با همسران طبق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه معنی‌دار به دست آمده است و پاسخگویانی که اغلب با همسران خود جر و بحث و دعوای لفظی داشتند از سازگاری پایین‌تر و همسرانی که روابط دوستانه و صمیمانه با همدیگر داشتند از میزان سازگاری زناشویی بالاتری برخوردار بودند.

جدول شماره (۵): میانگین میزان سازگاری زناشویی بر اساس نحوه گذران اوقات مشترک معلمان با همسران شان

نوع رابطه در اوقات مشترک	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معنی‌داری
در فضایی بسیار صمیمی و دوستانه	۱۷۳	۸۵/۲۴	۱۱/۸۹	۰	۱۰۰		
با جر و بحث کردن	۴۸	۶۶/۲۵	۱۴/۳۵	۲۴	۱۰۰		
باجر و بحث و حتی دعوای لفظی	۴	۵۶/۶۶	۳۲/۱۰	۱۴/۶۷	۹۲		
با دعوای لفظی و حتی ضرب و شتم	۴	۷۸/۶۶	۱۵/۸۵	۶۵/۳۳	۱۰۰	۳۱/۵۲۹	۰/۰۰۰
کل	۲۲۹	۸۰/۶۴	۱۵/۳۵	۰	۱۰۰		

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین مدت طول ازدواج و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. داده‌های آماری مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که بین سال‌های زندگی زوجین و سازگاری زناشویی همبستگی معنی‌دار وجود ندارد. به طور کلی مطالعات نشان می‌دهد که با ادامه ازدواج، خشنودی رو به کاهش می‌رود. زن در دوره ماه عسل و قبل از تولد اولین فرزند از هر زمان دیگر راضی‌تر به نظر می‌رسد. بر اساس نتایج پژوهش‌های صورت گرفته با ادامه ازدواج، سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد، یافته‌های تحقیق والن و بورگس که روی ۱۰۰۰ زوج انجام گرفته (سه سال بعد از ازدواج و ۲۰ سال بعد از ازدواج) نشان می‌دهد هرچه از ازدواج می‌گذرد، سازگاری زن و شوهر نیز کاهش می‌یابد (میشل آندره، ۱۳۵۴: ۲۰۳). که یافته‌های تحقیق حاضر مغایر با تحقیقات قبلی بوده است.

فرضیه دوم: بین مدت طول نامزدی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. داده‌های آماری مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که بین سال‌های نامزدی و سازگاری زناشویی همبستگی معنی‌دار به دست نیامد. در واقع ابعاد اجتماعی پیوندهای زناشویی و همسرگزینی دارای پشتوانه هنجاری است یعنی بر اساس آداب و رسوم و هنجارهایی صورت می‌گیرد و مکانیسم‌های همسرگزینی، همسان‌همسری را تشویق می‌کند، شبکه مناسبات اجتماعی که همسرگزینی در آن اتفاق می‌افتد، به وسیله قراردادهای اجتماعی متعددی تضمین می‌شود. از سوی دیگر بر اساس نظریه مبادله اجتماعی در یک گروه «هر چه ارتباط اجتماعی اعضاء به یکدیگر نزدیک باشد، کنش متقابل بین آن‌ها متواترتر خواهد بود» (Turner, 1986: 237-238).

فرضیه سوم: بین سن و سازگاری زناشویی معلمان رابطه وجود دارد. داده‌های آماری مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که بین سن و سازگاری زناشویی همبستگی معنی‌دار وجود ندارد. دلیل رد این فرضیه: در تحقیقی که توسط عطاری و همکاران (۱۳۸۴) با عنوان «بررسی رابطه عوامل فردی - خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان زن اداره‌های دولتی شهر اهواز» انجام گرفته، نشان می‌دهد بین فاصله سنی زوجین و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌های چهارم و پنجم: بین سن معلمان و همسران آن‌ها هنگام ازدواج و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. داده‌های آماری مربوط به این فرضیه‌ها نشان داد که بین سن معلمان و همسران آن‌ها هنگام ازدواج با سازگاری زناشویی همبستگی معنی‌دار وجود ندارد. لارسون و هلمن (۱۹۹۴) پس از مرور ادبیات موجود در زمینه سازگاری زناشویی نتیجه گرفتند که قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده تزلزل و عدم ثبات زناشویی، سن کم به هنگام ازدواج می‌باشد. هم چنین کرو و ریدلی (۱۳۸۴) اشاره می‌کنند که یافته‌ای که در تمام تحقیقات یکسان بوده است تاکید بر این موضوع دارد که امکان شکست ازدواج در سن پایین، زیاد است. نتایج پژوهش‌های کلیک (۱۹۵۷) و کارتر (۱۹۷۱) نیز نشان داده‌اند که ازدواج‌هایی که قبل از سن ۱۸ سالگی انجام می‌گیرند، سه برابر ازدواج‌هایی که بعد از ۱۸ سالگی روی می‌دهند، احتمال طلاق دارند و ازدواج‌هایی که قبل از رسیدن به سن ۲۰ سالگی صورت می‌گیرند دو برابر ازدواج‌هایی که بعد از ۲۰ سالگی

رخ می‌دهند احتمال طلاق دارند. به بیان دیگر، هر چه سن ازدواج پایین‌تر باشد احتمال از هم گسیختگی خانواده بیشتر می‌شود، زیرا در سنین پایین، افراد از قابلیت‌های و مهارت‌های زندگی زناشویی لازم برای ایفای نقش همسری بر خوردار نیستند. درعین حال، ازدواج در سنین بسیار بالا نیز خطر طلاق را افزایش می‌دهد (میراحمدی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲)، که در این تحقیق برخلاف یافته‌های نظری رابطه بین سن هنگام ازدواج و سازگاری زناشویی رد می‌شود.

فرضیه نهم: میزان سازگاری زناشویی براساس نحوه‌آشنایی دبیران با همسران‌شان متفاوت نبود. در تبیین این مسئله می‌توان گفت که به خاطر سنتی و کوچک بودن محیط اکثر ازدواج‌ها به شکل اجباری بوده است و سازگاری زناشویی در بین زوجها تا حدودی یکسان بوده است.

فرضیه دهم: میزان سازگاری زناشویی بر اساس نسبت خویشاوندی با همسر در جامعه آماری هدف متفاوت بود و سازگاری در زوجها که ازدواج فامیلی داشتند، بیشتر بوده است که این یافته با مطالعه شهیدی و مکاران غیرهمسو می‌باشد. چون در تحقیق آن‌ها میزان سازگاری زناشویی در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی یکسان بوده است.

فرضیه یازدهم: در رابطه با پای‌بندی به اعتقادات دینی و سازگاری زناشویی نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین این دو متغیر همبستگی مستقیم معنی‌دار وجود دارد، یعنی میزان سازگاری در زوجها که پای‌بند به اعتقادات دینی هستند، بیشتر بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت سیستم‌های ارزشی و عقیدتی همسران و تشابهات و تفاوت‌های باورها و ارزش‌ها در این امر می‌تواند موثر باشد. زیرا که برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و احساس اطمینان به حقانیت ضروری جهان اخلاقی‌ای که خودشان جزئی از آن محسوب می‌گردند، با احساس ناکامی و فقدان ایمان در آن‌ها مقابله می‌کند. دین با مقابله با احساس فقدان که در مورد مرگ هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی تجربه می‌شود به تثبیت توازن اعتماد خصوصی و عمومی یاری می‌رساند. دروسیع‌ترین سطح دین به عنوان یک نهاد اجتماعی به گرفتاری‌های وجودی انسان معنای خاص می‌بخشد زیرا فرد را به قلمرو فرا فردی ارزش‌های متعالی وابسته می‌سازد، همان ارزش‌هایی که در نهایت امر ریشه در جامعه دارند (حیدری، ۱۳۸۵: ۳۳). محققان بسیاری بر ارتباط میان مذهبی بودن و سازگاری زناشویی نیز تاکید کرده اند (هانلر و جنکاز، ۲۰۰۵). توافق در مسایل مذهبی عامل مهمی در پایداری روابط زناشویی به شمار می‌رود (میراحمدی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲). از نظر هانلر و جنکاز (۲۰۰۵) نقش مذهب قطعی است زیرا که مذهب به خودی خود مولفه‌های بسیاری هم‌چون روش‌های زندگی، سیستم‌های اعتقادی، ارزشی، انتظارات و غیره را دربر می‌گیرد، که نتایج تحقیق حاضر همسو با نتایج تحقیقات فوق می‌باشد. چون نتایج تحقیق حاضر نشانگر رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و میزان رضایت زناشویی می‌باشد. پیشنهاد می‌شود با تدوین برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب ارزش‌های دینی ترویج گردیده و از این طریق بر استحکام و سازگاری در خانواده‌ها افزوده گردد.

فرضیه نهم: میزان سازگاری زناشویی باتوجه به پایگاه اجتماعی خانواده متفاوت است. در این تحقیق شاخص‌های پایگاه اجتماعی نوع شغل، درآمد و تحصیلات بود. داده‌های آماری حاصل از جمع‌بندی رتبه‌های شغلی و تحصیلات و درآمد رئیس خانواده نشان داد که میزان سازگاری زناشویی براساس پایگاه اجتماعی خانواده متفاوت و این تفاوت معنی‌دار بوده است. در تبیین این یافته می‌توان از ترکیب نظریه نیازهای اساسی مازلو و نظریه مبادله آلوین گولدرن سود جست؛ مازلو معتقد است که نیازهای انسان‌ها پایه‌های ارزشی او را تشکیل می‌دهند، به این ترتیب مهم‌ترین منشاء ارزش‌ها نیازها هستند و هرآن چیزی که انسان به آن نیاز داشته باشد برای او با ارزش بوده و این فقط شامل نیازهای جسمی نمی‌شود، بلکه نیاز به احترام و نیاز به روابط اجتماعی و دیگر نیازها را نیز در بر می‌گیرد. مثلاً اگر یک پدیده یا وسیله برای یک فرد موجب کسب احترام شود آن پدیده با ارزش محسوب می‌شود. اما از طرف دیگر نیازهای انسان‌ها همیشه طی مراحل و با ابزارهای مختلف و مکمل انجام می‌گیرد. لذا هر وسیله‌ای که به انسان کمک کند تا بتواند توسط آن یک مرحله به ارضای نیازهایش نزدیک‌تر شود، آن وسیله نیز با ارزش تلقی می‌گردد. شغل، درآمد و تحصیلات هم ابزاری برای ارضاء نیاز به احترام (منزلت اجتماعی) با ارزش می‌باشند (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۲۷۱-۲۷۰). پس پایگاه اجتماعی خانواده چون در برآوردن نیاز به احترام نقش حیاتی دارد ارزش‌مند تلقی می‌گردد. چنان که آلوین گولدرن نیز مطرح می‌کند «اگر بپذیریم که رضایت عاطفی، هدف ظاهری ازدواج جدید باشد و هدف باطنی پایگاه اجتماعی و رفاه اقتصادی، می‌توان گفت نتیجه این است که هدف نهائی، بر هدف عینی، اثرگذار است. هر چه شوهر در داخل سیستم اقتصادی موفق‌تر باشد، شبکه مبادلات حقوقی و تعهدات گروه خانوادگی، عمیق‌تر و وسیع‌تر خواهد بود. بنابراین با برآوردن این نیاز سبب ایجاد سازگاری می‌شود، که نتایج تحقیق حاضر همسو با یافته‌های قبلی می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت با در نظر گرفتن تسهیلات مالی و فرهنگی برای زوجین، سرمایه اجتماعی و در نهایت پایگاه اجتماعی آنان را ارتقا دهد که این خود موجب سازگاری هر چه بیشتر در بین زوجها خواهد شد.

فرضیه دهم: میزان سازگاری زناشویی براساس نحوه گذران اوقات مشترک با همسران متفاوت است و میزان سازگاری در زوج‌هایی که روابط دوستانه و صمیمی با همدیگر داشتند، بیشتر بوده است. آرتنر (۱۹۷۵) دریافته است که بین میزان اوقات فراغتی که زوجها با یکدیگر می‌گذرانند و سازگاری زناشویی در بین آن‌ها رابطه وجود دارد، که یافته تحقیق حاضر همسو با تحقیق فوق می‌باشد. بنابراین به خاطر اهمیت گذران اوقات مشترک همسران با یکدیگر ضروری است تا هزینه‌های تفریحات و سایر الگوهای گذران اوقات فراغت کاهش یابد تا زوجین بتوانند بدون دغدغه مالی اوقات مشترک سالمی را در کنار هم داشته باشند.

منابع

- ادیبی، ح؛ و دیگری. (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: نشر دانژه. چاپ دوم.
- عزازی، ش. (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی در زنان کتک خورده*. تهران: نشر عالی.
- عزازی، ش. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بیرو، آ. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه: ب، ساروخانی. تهران: نشر کیهان. چاپ سوم.
- تامین، م. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی*. ترجمه: ع، نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.
- تقوی، ن. (۱۳۷۴). *بررسی وضع ازدواج و طلاق در شهر تبریز*. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانداری آذربایجان شرقی.
- چلبی، م. (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- حیدری، م. (۱۳۸۵). *دین‌داری و رضامندی خانوادگی*. تهران: مرکز انتشارات.
- حسینی، آ. (۱۳۶۷). *ازدواج همسان و استحکام خانواده*. *مجله مطالعات زنان*. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. شماره ۵۳، ۱۰ و ۵۲.
- رابرتسون، ی. (۱۳۷۷). *درآمدی بر جامعه*. ترجمه: ح، بهروان. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: ناشر شرکت سهامی انتشارات.
- رفیعی‌اصل، ث. (۱۳۸۹). *تعیین عوامل اجتماعی - فردی مرتبط با میزان سازگاری زناشویی*. دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. جلد: اول. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۷). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
- سرایی، ح. (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*. تهران: نشر سمت.
- شری، ج؛ و دیگری. (۱۹۹۴). *پرسشنامه ارزش‌های شخصیتی (P. V.Q)*. ترجمه: ا، کرمی. جزوه آموزشی شرکت روان تجهیز سینا.
- صادق‌مقدم، ل و دیگران. (۱۳۸۵). *میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار و همسران آن‌ها*. *مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*. دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۴۵-۵۰.
- صادقی، س. (۱۳۸۰). *بررسی عوامل شخصیتی مؤثر در سازگاری زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- صدر نبوی، ر. (۱۳۷۰). *جامعه و فرد*. مشهد: کتاب فروش بستان.
- عطاری، ی؛ و دیگران. (۱۳۸۴). *مقایسه سازگاری زناشویی معلمان مرد دبستان‌های شهر اهواز بر اساس همسانی هیجان خواهی با همسران‌شان*. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. دوره سوم، سال دوازدهم، شماره ۱، ۲۷-۴۴.
- فروغان‌فر، م. (۱۳۸۵). *رابطه شیوه‌های حل مسئله با سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه شهید بهشتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- کوئن، ب. (۱۳۸۶). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: نشر توتیا.
- کرو، م؛ و دیگری. (۱۳۸۴). *زوج درمانی کاربردی با رویکردهای سیستمی - رفتاری*. ترجمه: ا، موسوی. تهران: انتشارات مهر کاویان.

- مازلو، آ. (۱۳۸۷). **انگیزش و شخصیت**. ترجمه: ا. میری (گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی). مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ ششم.
- مهدوی، م. (۱۳۷۷). **بررسی تغییرات تطبیقی ازدواج**. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مومن‌زاده، ف. (۱۳۸۱). **ارتباط تفکرات غیر منطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشگاه شهید بهشتی.
- میشل، آ. (۱۳۵۴). **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج**. ترجمه: ف. اردلان. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- میراحمدی‌زاده، ع؛ و دیگران. (۱۳۸۲). **رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز. اندیشه و رفتار**. سال هشتم، شماره ۴، صص ۶۳-۵۶.
- هالفورد، د. (۱۳۸۴). **زوج درمانی کوتاه مدت**. ترجمه: م. تبریزی؛ و دیگران. تهران: انتشارات فرا روان.
- Amato, P. R. (1993). Children's Adjustment to Divorce: Theories, Hypotheses, and empirical support. *Journal of Marriage and the Family*. 55(1): 23-38.
- Bergen, MB, Song JA, Schumm WR. (1995). **Sexual satisfaction among Korean American couples in the Mid western united states**. *J sex Marital There*; 21(3): 147-158.
- Coombs, R. (1991). **Marital status and personal well-being: A literature Review**. *Family Relations*; 40: 97-102.
- Hunler, O. S., & Gencoz, T. (2005). **The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role marital problem solving between religiousness and marital satisfaction relationship**. *Contemporary Family Therapy*, 27, 1, 123-136.
- Larson, J. H., & Holman, T.B. (1994). **Predictors of marital quality and stability**. *Family Relations*, 43, 228-237.
- Sadegh Moghadam L, Askari F, Marouzi P, Shams H, Tahmasebi S. (2006). **Comparison of marriage satisfaction in housewives and employed women and their husbands in Galabad**. IRAN, *Ofogh_e_Danesh*. 12(2): 45-49 [Persian].
- Waite L, J. (1997). **Why marriage matters strengthening marriage round table**. Washington. DC; Springer.